

معاونت جرم‌شناسی
مرکز تحقیقات قوه قضائیه «قم»
بهرام آبی زاده

رسانه‌های دیداری و کودکان و نوجوانان

اشاره

انسان به طور مستمر در حال یادگیری و در معرض تأثیرپذیری است. چرا که زندگی اجتماعی، یعنی: تبادل اطلاعات و ارتباط با کنشها و واکنشهای دیگران. زندگی به منزله محفلی است که شکل‌گیری و ایجاد تغییرات در رفتار و افکار و شخصیت، صورت می‌پذیرد. محرکها سبب بیدار شدن و برانگیختن واکنشی می‌شوند و یا عملاً از بروز واکنشی باز می‌دارند. به بیان دیگر به طور مداوم «تربیت» صورت می‌پذیرد. چه این‌که تربیت‌پذیری، واپس‌گرانه و به سمت وضع نابهنجار، یا مطلوب و رشد بهنجار باشد.

دوران کودکی و نوجوانی از لحاظ آنچه گذشت، ویژه است. یادگیری که اساس رفتار افراد را تشکیل می‌دهد، تا دوران بلوغ برجسته و دارای اهمیت خاصی است. زندگی در هر مرحله از رشد، مستلزم فراگرفتن اموری است که لازم و ضروری است. فراگرفتن در کودکی و نوجوانی سریع و تا حدود زیادی نافذ است. می‌توان مدعی بود:

تأکید بر ارزشمندی تربیت در خانه و مدرسه به اهمیت مرحله کودکی و نوجوانی برمی‌گردد.

با ملاحظه متون غنی اسلامی، روشن می‌شود که دین حنیف اسلام با عنایت مخصوصی به تربیت و آموزش فرزندان نگریسته است. در روایات معصومین (سلام الله علیهم)، تأکید مکرر نسبت به پدر و مادر، برای تربیت صحیح، وجود دارد. امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: «هیچ میراثی از والدین برای فرزندان بهتر از ادب و تربیت صحیح نیست»^۱ رفتار دوران بلوغ به مقدار زیادی استمرار رفتارها و آموخته‌های قبل از بلوغ است. لذا تربیت فرزندان به شکل مناسب، بهترین میراث والدین است.

در بیانی دیگر، حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام)، از نقش پایدار و محکم تعلیم و تربیت در دوره قبل از بلوغ با تشبیه جالبی یاد می‌نمایند و می‌فرمایند: «آنچه در کودکی آموخته شود، همانند نقشی است که بر روی سنگی حک شود»^۲.

مقاله «**رسانه‌های دیداری و کودکان و نوجوانان**» نظری افکنده است بر یکی از عوامل قابل توجه در تربیت و آموزش کودکان و نوجوانان، چیزی که ره‌آورد عصر صنعتی می‌باشد. همانند گذشته، مدرسه و خانه دو رکن اساسی در آموزش و یادگیری نیستند. فرزندان در معرض آموخته‌هایی از وسایل ارتباط جمعی الکترونیکی هستند. هیچ‌کس نمی‌تواند در مباحث تربیتی آن را انکار و یا نادیده بگیرد. این مکتوب آهنگ آن دارد تا به امهات و کلیات موضوع نظر افکنده و نگاه صاحب‌نظران را بیش از پیش به این مسئله معطوف دارد.

بنا به قاعده منطقی «اثبات شیئی نفی ماعدها نمی‌کند» سخن از اثرات مخرب رسانه‌های دیداری، انکار کارکردهای مثبت و سودمند آنها نیست.

امید است این پژوهش بی‌مقدار، خدمتی باشد به جامعه اسلامی و مقبول درگاه احدیت باری تعالی واقع شود.

۱- غررالحکم، ص ۸۳۱، (لامیراث کلاذب).

۲- دیوان امام علی (علیه السلام)، ص ۱۸۲، (العلم فی الصغر، کالنفق فی الحجر).

اگر قدرت را توانایی ایجاد اثرات موردنظر تعریف کنیم، یا رهیافت رابرت دال را

بپذیریم که می‌گوید: «قدرت به معنی کنترل بر رفتار است»^۱ بی‌گمان رسانه‌های تصویری قدرتمند هستند. صاحب‌نظرانی که در این مقوله از روی ژرف‌نگری به تفحص پرداخته‌اند، در نوشته‌ها و گفتارهای خود که نتیجه جستجوهای آنها است، فصل مهمی را اختصاص به تواناییها و کارکردهای این رسانه‌ها داده‌اند. در عصر کنونی، نمی‌توان تأثیر تصاویر تلویزیونی، ویدیویی، سینمایی و ماهواره‌ای را بر طرز عمل و اندیشه اشخاص نادیده گرفت. مک لوهان آینده‌نگر وسایل ارتباط جمعی الکترونیک در مباحث مربوط به «دهکده جهانی»، تکیه زیادی بر وسایل ارتباطی نوین و الکترونیکی می‌کند. وی به عنوان نمونه تلویزیون را رسانه‌یی همه شمول دانسته و می‌گوید که این رسانه «... مشارکت بشر را جلب می‌کند و در بسیاری از شئون هستی حضور دارد»^۲. خدمات رسانه‌های الکترونیکی بسیار شایان و شگفت‌برانگیز و خسارات آنها نیز نگران‌کننده است: دستاورد سودمند این وسایل روشن است. اما از طرف دیگر، نشانه‌های زیادی در اطرافمان وجود دارد که روشن می‌کند: تکنولوژی صنعتی به راحتی می‌تواند مورد سوءاستفاده قرار بگیرد. ساده‌انگاری است که پنداشته شود وسایل ارتباط جمعی تصویری، بی‌ضرر بوده و وسیله تفریحی است. با این‌که عده‌یی از مردم بر این باورند، اما پژوهشگران سالهاست که چنین نظری را رد کرده‌اند.

۱- «قدرت فرانسائی یا شر شیطان» ترجمه فرهنگ رجائی، ص ۳.

۲- «برو تلویزیون تماشا کن» نات راتستاین، سروش ۹/۹/۷۰، ص ۲۸.

در مجموع نگاه منصفانه ایجاب می‌کند در کنار اثرات تخریبی، فواید و کارکردهای سودمند رسانه‌های تصویری نیز بررسی شود تا قضاوت دچار عدم واقع‌بینی نباشد.

خالی از فایده نخواهد بود تا یک نمونه از کارکرد مثبت و توانای این رسانه‌ها ذکر شود. تاکنون کتابها و مقالات کثیری در مورد عوارض منفی زندگی ماشینی و ماشین‌زدگی، قلمی شده است و اندیشمندان از این‌که انسان در خدمت ماشین باشد، هشدار داده‌اند، اما غالب گفته‌ها و نوشته‌ها به علت داشتن محتوای پیچیده علمی، توانایی جلب نظر افکار عموم را ندارند. اما در فیلم عصر جدید با بازی چارلی چاپلین به زیباترین شکل و در حد فهم همه، عصر ماشین به زیر تیغ نقد رفته است. فیلم، کارگری را نشان می‌دهد که مسئول بستن مداوم پیچهای عبوری یک دستگاه است. اندک غفلتی در این عمل، موجب اختلال در دستگاه می‌شود. کارگر چنان با دقت توجه خود را معطوف به سفت کردن پیچها می‌کند، که دیگر به همه چیز به دیده پیچهای همان ماشین می‌نگرد. به طوری که سعی می‌کند با آچار دگمه‌های لباس یک خانم را ببندد. حتی او فرصت نمی‌کند اولیه‌ترین و طبیعی‌ترین حالت روانی و انسانی را بروز دهد. زیرا وقتی درصدد است با همسر خود صحبت کند و ابراز محبت نماید، روند معمول کار دستگاه دچار اختلال می‌شود، وی مجبور است جز به ماشین و سلامتی کار او نیاندیشد.

این فیلم موجی از موفقیت به همراه آورد و همگان را شیفته این مطلب نمود، که نباید بگذاریم عصر صنعتی ما را از انسانیت و روحیات انسانی تهی کند. تأثیری چنین بزرگ و وسیع از طریق رسانه‌های الکترونیکی، به راحتی می‌تواند در مورد اهداف زیانبار تربیتی، فرهنگی و... نیز زمینه بهره‌برداری داشته باشد.

تلویزیون به عنوان دستگاهی که تصاویر ویدیویی، ماهواره‌ای و شبکه‌های پخش تلویزیونی خصوصی و دولتی را در خود جای می‌دهد، آموزگاری نیرومند است و اگر سازندگان و تهیه‌کنندگان برنامه‌ها و فیلمها بخواهند تعهدی در قبال آنچه به انسانها

ارائه می‌شود، نداشته باشند، تلویزیون می‌تواند خطرناک باشد، یکی از پژوهشگران می‌نویسد: «تلویزیون آموزگاری نیرومند و در ضمن خطرناک است، اما بیننده، آگاه نیست که هنگام تماشا در مسیر یادگیری است. اطلاعات و دانشها به درون ضمیر ناخودآگاه او جاری می‌شود. بی‌آن‌که خود بداند، این ارزشهای تلقینی در او نهادین می‌شود. ما به این فکر خو گرفته‌ایم که یادگیری کار خسته‌کننده‌ی است که در مکانی بسته به عنوان کلاس، رخ می‌دهد. تلویزیون زخمی حس نکردنی به ما می‌زند اما در ضمن می‌تواند آگاهیهای ما را بارور کرده، بی‌آن‌که خود بدانیم، ما را به دیدی گسترده‌تر مجهز کند.»^۱

کارکرد توانمند مثبت و منفی وسایل ارتباط جمعی الکترونیکی، در ارتباط مستقیم با قدرت هنرهای دیداری است. تأثیرات برنامه‌های تصویری به علت جاذبه‌های توأم دیداری و شنیداری آنهاست.

از جهت کمیت نیز وسایل ارتباط جمعی الکترونیکی، امروز نفوذ خود را در جای‌جای جهان گسترده‌اند. چتر فرستنده‌های ماهواره‌ای و زمینی، همه جا را زیر پوشش قرار داده‌اند. دستگاههای ضبط و پخش ویدیویی با سرعت در حال گسترش است. اخیراً نیز کامپیوتر به مجموعه امکانات پخش تصویر، اضافه شده است.

کمتر خانیه‌ی پیدا می‌شود که خالی از تلویزیون باشد. حتی در کشورهای نظیر آمریکا «۶۰ درصد خانواده‌ها دارای دو دستگاه و ۲۰ درصد دارای ۳ دستگاه یا بیشتر از گیرنده تلویزیون استفاده می‌برند.»^۲

باید توجه داشت در مناطق عقب‌مانده، از برنامه‌های تلویزیونی به صورت دسته جمعی و تنها از یک گیرنده استفاده می‌شود یعنی چنین برمی‌آید که تعداد خانواده‌های بیننده، بیشتر از تعداد دارندگان تلویزیون است.

۱- همان.

۲- تلویزیون، کودکان و پزشکان اطفال، دکتر صراف، اطلاعات ۲/۱۲/۱۳۷۱، ص ۷.

برخلاف مطبوعات و کتب که رسانه مطلوب قشر باسواد و فرهیخته است. افراد بی‌سواد، کم‌سواد و بطورکلی کسانی که حوصله تمرکز حواس برای خواندن را ندارند، مجذوب تصاویر رسانه‌های دیداری می‌شوند. نکاویده، پیداست که جذابیت‌های موجود در فیلم و تصویر، قابل قیاس با آثار مکتوب نیست. «در بخش بزرگی از مباحث کلاسیک درباره تعهد در هنر، کانون بحث، نمایش است.»^۱ چرا که داشتن بیشترین مخالف و بیشترین تأثیر، هنرهای نمایشی و تصویری را حائز اهمیت نموده است.

کودکان و نوجوانان و وسایل ارتباط جمعی تصویری

عوامل ارثی و بیولوژیکی، تا حدود زیادی بر رفتار انسان مؤثرند. دانشمندان در کنار این مؤثر، محیط را به عنوان عاملی بسیار مهم بر کردار بررسی می‌نمایند. به خوبی واضح است که هیچ‌گونه رشدی در موجود زنده، بدون وجود محرک‌های محیطی امکان‌پذیر نیست. «هیچ موجود زنده‌یی نمی‌تواند در خلاء رشد کند»^۲ «محیط به‌طور کلی در کسب مهارت‌ها، پرورش استعدادها و توانایی‌های بالقوه، عادات و ویژگی‌های مربوط به شخصیت، نقش اساسی دارد. انسان در محیط تغییراتی ایجاد می‌کند و محیط نیز به نوبه خود در انسان و رفتار او تغییرات شگرفی برجای می‌گذارد.»^۳ بنابراین در بررسی شخصیت و برای پی‌بردن به رفتار و حرکات معنی‌دار، نمی‌توان از عوامل محیطی چشم پوشید. توضیح و بیان رفتار و حتی تلاش برای ایجاد دگرگونی‌های شخصیتی و رفتاری، به مقدار زیادی با بررسی محرک‌های محیطی مقدور می‌شود. کیفیت و نحوه شکل‌گیری دیدگاه‌ها، رفتار و شخصیت افراد به مقدار زیادی تحت‌الشعاع حوادث دوران کودکی و نوجوانی است. چنین نظری بین روانشناسان

۱- «تولید اجتماعی هنر» ترجمه نیره توکلی، ص ۵۷- جانت ولف.

۲- «رفتارهای بهنجار و نابهنجار» دکتر شکوه نوابی‌نژاد، ص ۱۹.

۳- همان ص ۲۰.

مقبول و پذیرفته شده است. بنابراین شناخت عوامل مؤثر بر رفتار و شخصیت کودکان و نوجوانان اهمیت شایانی پیدا می‌کند «به‌طور کلی می‌دانیم که تمام شرایط زندگی و عوامل روانی در پایه‌گذاری وجود کودک دخالت مستقیم دارد. بنابراین کسی که روان کودک را مطالعه می‌کند باید از عواملی که باعث پیدایش خصوصیات به وجود آمده در کودک شده است، آگاهی کامل داشته باشد.»^۱

تحقیقات صاحب‌نظران مسائل کودکان و نوجوانان، به صحت این ادعا کمک می‌کند که رسانه‌های دیداری تأثیرات مطلوب و نامطلوب گوناگون بر روی کودکان و نوجوانان دارد. توجه وسیعی که محققین در بررسی روان کودک و نوجوان به تلویزیون در مقام عامل دارای اهمیت، داشته‌اند. به کارکرد متفاوت و نافذ این جعبه جادو برمی‌گردد. «کودکان در دنیای حاضر شیفته تلویزیون هستند. شیفته شخصیت‌های تلویزیونی و حرکات آنها. کودکان با این موجودات از طریق این پرده ارتباط برقرار می‌کنند خیلی از کودکان به مانند یک الکی به تلویزیون معتاد می‌شوند. و حتی این گونه کودکان بر سر مدت زمان تماشای تلویزیون با والدین خود به مشاجره می‌پردازند.»^۲

اندازه دلمشغولسی نوجوانان و کودکان با تلویزیون را می‌توان از تلاش آنها در کاستن فاصله‌شان با گیرنده درک کرد. انگار تلویزیون بیننده را به سمت خود جذب می‌کند. برای امتحان کافی است هنگام تماشای تلویزیون، کودک و نوجوان را به فاصله ۳ متری یا بیشتر از دستگاه تلویزیون دور کنیم. در آخر برنامه خواهیم دید. او ذره به ذره جلو خزیده و به کمترین فاصله ممکن رسیده است. هنگامی که بیننده، مخصوصاً کودک و نوجوان در حال دیدن تصویر است. در واقع ذهن و حواس آنها در معرض یادگیری است. از آن جایی که رسانه‌های دیداری در حال آموزش - چه منفی و چه مثبت -

۱- همان ص ۲۱.

۲- «بزهکاری اطفال و نوجوانان» هوشنگ شامبیاتی، ص ۲۲۴.

هستند. مفهوم خانواده تحت تأثیر آنها واقع شده است. کودکان همچون گذشته فقط و فقط در معرض یادگیری از خانواده و مدرسه نیستند.

«ثابت شده است که کودکان ۲۴-۱۴ ماهه قادرند در مدت زمان کوتاهی حرکات و رفتارها را از تلویزیون تقلید کنند.»^۱ زمانی که کودک وارد مدرسه ابتدایی می‌شود در واقع به اندازه ۵ سال از تلویزیون آموزش دیده است. طی پژوهش به عمل آمده توسط روانشناسان آمریکایی، میزان بالای توجه ذهنی بچه‌ها به برنامه‌های مورد علاقه آنها مشهود است. «۷۶٪ بچه‌های ۳ ساله - که مورد آزمون قرار گرفتند - قادر به گفتن نام برنامه مورد علاقه‌شان بودند و ۸۷٪ آنها می‌توانستند نام شخصیت محبوبشان در کارتون عصر حجر را ادا کنند. همچنین ۷۵٪ از ۳۰۰ نفر مادری که مورد مصاحبه واقع شده بودند، اظهار داشتند که کودکان از تلویزیون ترانه‌های کوچکی یاد گرفته‌اند.^۲ «کودکان به طور متوسط ۲۵ ساعت در هفته، کودکان سال پنجم دبستان ۳۰ ساعت و در سال دوم نظری ۲۰ ساعت در هفته تلویزیون می‌بینند.»^۳

پژوهشگران متوجه این نکته هستند که چرا کودکان و نوجوانان و حتی بزرگسالان در سراسر دنیا با شور و شوق و گاهی اوقات در حد افراط به تماشای برنامه‌های مختلف تصویری می‌پردازند؟ چرا گرایش به این جعبه افسونگر تا حد بازداشتن کودکان و نوجوانان از سایر فعالیتهای لازم پیش می‌رود؟ کیل هکر متخصص و محقق روانشناسی در این زمینه پژوهشی را انجام داده است. این دانشمند طی یک کنکاش مفصل در مورد علل اشتیاق کودکان و نوجوانان به رسانه‌های تصویری، دو دلیل عمده و بسیار مهم را نتیجه می‌گیرد.

«۱- کودکان و نوجوانان، اشتیاق فراوان دارند تا به این وسیله با آنچه خارج از

۱- «تلویزیون» کودکان و پزشکان اطفال، دکتر صراف. اطلاعات ۱۲/۲/۱۳۷۱، ص ۷.

۲- «برو تلویزیون تماشان کن» نات راستاین، سروش ۷۰/۹/۹، ص ۳۸.

۳- «تأثیر تلویزیون بر کودکان» فرید فدایی، اطلاعات ۸/۹/۱۳۷۱، ص ۱۰۶.

دنیاى محدود ایشان قرار گرفته، يعنى زندگى حقيقى و روزمره — بيشتر و بهتر آشنا شوند.

۲- مى‌خواهند از واقعيات زندگى روزمره بگريزند.^۱

متأسفانه به خاطر اهداف سودجويانه و نبود کنترل لازم در توليد و پخش، موضوع بسيارى از برنامه‌هاى سينمايى، وىديوئى و شبکه‌هاى ماهواره‌اى و زمينى، هدفى جز ارضائ تمايلات غيرواقعى را ندارند. البته اين به معنائى نفي مطلق برنامه‌ها و مضر دانستن همه آنها نيست. چرا كه رسانه‌هاى دیدارى خدمات شايانى در گسترش علم، بهداشت، تعليم و تربيت و سرگرميهاى شادى‌بخش و غيره در سرتاسر جهان داشته‌اند. از طرفى سينماگران شاهكارهاى بزرگنرى آفريده‌اند، اما بر هر صاحب‌نظر تعليم و تربيت روشن است كه آنچه از برنامه‌هاى ماهواره‌اى دريافت مى‌شود و آنچه از نوارهاى وىديوئى در دست مردم است، به مقدار زيادى مضر و غيرسالم است.

تصاوير، محرکهاى گوناگونى را صادر مى‌کنند و مى‌توانند اثرات مختلف، مخصوصاً در بيننده‌هاى كه زمينه مساعد دارند، به جاى گذارند.

پدر و مادر گمان نبرند كه از رسانه‌هاى تصويرى مى‌توانند به عنوان يك دايه استفاده كنند. دايه‌يى كه بچه را از شيطنت و مزاحمت باز مى‌دارد. بايد مواظب بود تا سلامت روانى و رفتارى كودك و نوجوان آسيب نيبند.

محققى به نام شرام و همكاران او در پى جستجوهاى علمى، به اين نتيجه رسيده‌اند كه «كودكان و نوجوانان از راه تلويزيون به مقدار قابل ملاحظه‌يى كسب اطلاعات و معلومات مى‌كنند و جالب اين‌جاست كه اين كار بدون كوشش و زحمت آنها حاصل مى‌شود.»^۲

در مجموع بايد اذعان نمود كه گسترش روزافزون امكانات پخش تصويرى و

۱- «تلويزيون در خانواده» جامعه، انريك ملون، ترجمه جمشيد ارجمند، ص ۱۴.

۲- همان.

کثرت و تنوع برنامه‌ها و علایق کودکان و نوجوانان به مشاهده، مسایلی را در رابطه با سلامتی این قشر فعال و پرانرژی مطرح کرده است. تلویزیون به آسانی می‌تواند باعث تفریح و انبساط خاطر کودکان و نوجوانان شود. تخلیل آنها را ارضاء کند و به ایشان امکان و فرصت دهد که در عالم خیال در حوادث شورانگیز و اعجاب‌آور سهمی داشته باشند. در لفافه همه این حالات، ذهن می‌تواند شکل گرفته و یادگیری صورت بگیرد و محرکی باشد برای انواع رفتارهای بهنجار یا نابهنجار «ساترلند کارشناس جرم‌شناسی معتقد است که سینما و تلویزیون به علت تصویرهایی که دارند از سایر پدیده‌ها محرکتر و مؤثرترند.»^۱

اثرات رسانه‌های تصویری

آسیبهای وارده بر کودکان و نوجوانان، شامل آسیبهای جسمی و تأثیرات منفی رفتاری است. آسیبهای جسمی بیشتر مربوط به استفاده بیش از حد و نامطلوب از گیرنده‌های تصویری است. اما آنچه به‌عنوان رفتار نابهنجار بروز می‌کند بیشتر ارتباط دارد به نوع و کیفیت تصاویر. البته مواردی نیز وجود دارد که تصاویر و محتوای آنها اختلالات جسمی و روانی ایجاد می‌کند. برای مثال برنامه‌های دلهره‌آور و ترسناک بر جسم، تأثیر نامطلوب ایجاد می‌کند.

به‌طور کلی ارتباط ناسالم بین کودکان و نوجوانان و گیرنده‌ها و بخش‌کننده‌های تصویری، تحت دو عنوان آشفتگیهای رفتاری و اختلالات جسمانی بررسی می‌شود.

۱- آشفتگیهای رفتاری

آشنایی دقیق و مطمئن با کلیه تأثیرات رسانه‌ای دیداری بر اجتماع کاری دشوار

است. حتی يك برنامه خاص را نمی‌توان از جهت اثرات آن به‌طور کاملاً دقیق سنجید. چرا که هریک از روشهای تحقیقاتی و آمارگیری، ضعفهای خاص خود را دارد. از سوی دیگر پاره‌یی محرکها زمان زیادی را طلب می‌کند تا تأثیر خود را بروز دهد. گاهاً این فاصله زمانی به سال یا سالها بالغ می‌شود. برای مثال سرگذشت جانی مخوفی قابل ذکر است. وی چندین سال قبل در لهستان دستگیر شد. روانپزشکان و روانشناسان بعد از معاینات فراوان تشخیص دادند که این جانی مبتلا به سادیسیم است. این جنایتکار در سن ۱۴ سالگی پس از دیدن فیلم «دراکولا» چنان تحت تأثیر صحنه‌های فیلم قرار گرفته بود که تمام صحنه‌ها را حقیقی پنداشته و به تقلید از دراکولا به زنان و دختران هجوم آورده و شبها بعد از کشتن قربانیان، خونشان را می‌مکیده است تا مانند دراکولا به عمر جاویدان برسد.

مبحث خشونت‌های فیزیکی و پرخاشگری کلامی در تلویزیون و میزان توانایی آن در تحریک کودکان و نوجوانان به اعمال خشن، توجه جدی کارشناسان را همواره به سوی خود جلب نموده است. غالب محققان و اکثر تحقیقات اثبات کرده‌اند که ارتباط معناداری بین تصاویر خشونت‌بار و رفتار کودکان و نوجوانان وجود دارد. البته درمقدار اثر و این‌که این صحنه‌ها درچه‌افرادی‌امکان تأثیر بیشتری دارد، اختلال مشاهده می‌شود. هرکدام از روشهایی که برای مطالعه انسان به کار می‌رود نقاط ضعف و قوتی دارد. در مجموع همگی مکمل و جبران‌کننده یکدیگرند. نتایج مطالعاتی که روشهای متنوع در آنها به کار رفته است، اطمینان بیشتری را می‌بخشد. «درموردی که مربوط به خشونت در تلویزیون است، این حقیقت که مطالعات مبتنی بر همبستگی، آزمایشهای تجربی، آزمایشهای میدانی و مطالعاتی طولانی مدت یافته‌های مشابهی به همراه دارند، درواقع تأییدی است بر این نتیجه‌گیری که نمایش خشونت در تلویزیون به بروز رفتار پرخاشگرانه کمک می‌کند.»^۱

[در یکی از بررسیها از نمونه بزرگی از دانش‌آموزان دوره ابتدایی در مورد این‌که تا چه حد خشونت در تلویزیون می‌بینند و تا چه حد در مدرسه رفتار پرخاشگرانه دارند. اطلاعاتی گردآوری شد. (براساس گزارش سایر شاگردان)

سپس محققان یافته‌ها را ارزیابی کردند تا تعیین کنند که آیا کودکانی که بیشتر در تلویزیون خشونت می‌دیدند پرخاشگری بیشتری دارند؟ یعنی آیا تماشای خشونت با پرخاشگری همبستگی مثبت دارد؟ از یافته‌های آنا معلوم شد که بین تماشای خشونت در تلویزیون و رفتار پرخاشگرانه در مدرسه همبستگی وجود داد.^۱

در يك مطالعه «طولانی مدت» گروهی از کودکان در فواصل منظم در مدت زمانی طولانی مشاهده می‌شوند. و در مورد رفتار پرخاشگرانه آنها در قبل و بعد از انتقال از مرحله‌ای به مرحله سنی بالاتر آزمایش می‌شوند «در يك مطالعه طولانی مدت درباره‌نمایش خشونت از تلویزیون، يك عده كودك كه در سن ۸ سالگی میل به تماشای خشونت از تلویزیون داشتند در سن ۱۸ سالگی از همسالان خود که در زمان کودکی میل به تماشای برنامه‌های خشونت‌آمیز تلویزیون نداشتند، بیشتر پرخاشگر بودند.»^۲

در اواخر دهه ۱۹۶۰ يك سلسله رفتارهای ستیزه جویانه و ضداجتماعی در آمریکا به وقوع پیوست. خوابگاه‌های دانشگاه دچار اغتشاش شد. قتل در جامعه فزونی یافت. به وزارت دادگستری حمله گردید. این رویدادها باعث پدیدآمدن «کمیسیون ملی بررسی علل و جلوگیری از خشونت» شد. در اولین یافته‌های این کمیسیون نوشته شده بود: «... تلویزیون نیرومندان وارد فرآیند یادگیری کودکان شده است. ضدارزشهای اجتماعی و اخلاقی و رفتارهای خشن را به آنها می‌آموزد.»^۳ - گفتنی است فیلمهای

۱- همان ص ۲۶.

۲- همان ص ۳۰.

۳- «برو تلویزیون تماشا کن» نات راتستاین، سروش ۹/۹/۷۰، ص ۳۸.

سودجویانه و با اهداف تجاری که در آمریکا ساخته می‌شود. ضربات زیانبار اخلاقی و مذهبی شدیدی بر فرهنگ معنوی شرقی وارد ساخته است. مشخص است که وقتی به فیلم به چشم ثروت‌اندوزی نگاه شود. دیگر اخلاق‌گرایی و معنویت‌جویی جایگاهی نخواهد داشت.

حجم تخریبی رسانه‌های دیداری که پخش‌کننده تصاویر خشونت‌بار است بیش از آن است که فقط منجر به اعمال خشن شود. بلکه می‌تواند رفتارهای نابهنجار دیگری را شامل شود. حتی تحقیقات اثبات می‌کند که صحنه‌های داری خشونت و پرخاشگری در شکل‌گیری شخصیت کودکان و نوجوانان مؤثر است.

«در فرانسه تحقیقاتی پیرامون کودکان سنین قبل از مدرسه انجام شده و آثار فیلمها، کارتونها و بازیهای تلویزیونی بر رفتار و شخصیت آنها بررسی گردیده است. به کمک این تحقیقات اثبات شده است که بویژه ترس بسیار، سبب از بین رفتن قدرت درک واقعیات، بی‌وجدانی و عدم احساس همدردی نسبت به دیگران می‌شود.»^۱

در مجموع به علت تنوع برنامه‌ها و کیفیت آنها، در صورتی که رسانه‌های دیداری کنترل نشوند، می‌توانند محرک بسیاری از اعمال غیرقابل قبول و نابهنجار در نوجوانان، کودکان و حتی بزرگسالان باشند. این موارد روشن بوده و به‌طور علمی بررسی شده و در آثار صاحب‌نظران مسائل تربیتی و اجتماعی مذکور است. جهت جلوگیری از اطاله این مقاله، به‌طور بسیار گذرا از آنها یاد می‌شود.

تصاویری که مطلوب شمرده نمی‌شوند، می‌توانند در روند عبور از موانع فرهنگی برای رسیدن به رشد و ترقی در عرصه فرهنگ و هنر اختلال ایجاد نمایند. در رویکرد منفی می‌توانند سبب بروز رفتارهای ضداجتماعی در نوجوانان شوند. وقتی کودک و نوجوان

۱- «کودکان، تلویزیون و پزشکان اطفال» دکتر صراف، اطلاعات ۲/۱۲/۷۱، ص ۷.

به طور مکرر رنجها و دردهای بشری و ظلم و تعدی را ملاحظه می‌کند - مخصوصاً در مواردی که چهره‌های منفی، مورد علاقه تماشاگر باشد. بی تفاوتی و بی‌حسی نسبت به مشکلات هموعان و آلام آنها بروز می‌کند.

آگهیهای تجاری نیز عوارض منفی به بار می‌آورد. تبلیغات تجاری نیازهای کاذب ایجاد می‌کند، می‌تواند مسائل و نیازهای غیرضروری را ضروری نشان دهد و کودکان و نوجوانان را ترغیب به مصرف نماید. این شکلی از شستشوی مغزی با رسانه‌ها است. کودکان در کمند ارزشهای به واقع بی‌ارزش گرفتار می‌شوند. و نیازهایی را طلب می‌کنند که در واقع نیاز ضروری نیستند. حتی آگهیها به روابط سالم بین والدین و فرزندان ضربه می‌زند. یکی از روانپزشکان می‌گوید: «اعتقاد داریم آگهیهایی که کودکان را هدف گرفته است به شکلی جدی بر روابط خانوادگی اثر می‌کند. زمینه‌ساز اختلاف بین کودکان و والدین می‌شود به کودکان آموزش ماده‌پرستی می‌دهد و به این ترتیب بازدارنده کوششهایی می‌شود که در جهت مسئول بار آوردن کودک صورت می‌گیرد.»^۱

آشنایی با مسائل جنسی یکی دیگر از مسائل بسیار مورد توجه است. غالب نوارهای ویدیویی که در دست مردم است، همچنین برنامه‌هایی که از طریق ماهواره پخش می‌شود. متأسفانه احساسات جنسی نوجوانان را بیدار می‌کند. آنها دوست دارند اطلاعات بیشتری در این زمینه کسب کنند و حتی دست به تجربه جنسی بزنند. این مسئله به سلامت روانی و روحی نوجوانان لطمه شدید وارد می‌آورد و سبب می‌شود زودتر از حالت طبیعی به دنیای بزرگسالان وارد شوند.

در يك برداشت اغراق‌آمیز، می‌توان ادعا نمود که اثرات منفی رسانه‌های دیداری می‌تواند به اندازه اثرات منفی باشد که در محیط و اجتماع می‌تواند باشد. بنابراین بحثهای مفصلی را طلب می‌کند.

۱- «برو تلویزیون تماشا کن» نات راستاین، سروش ۹/۹/۷۰، ص ۴۰.

۲- اختلالات جسمی:

بیماریهایی که مستیماً از گیرنده‌های تلویزیونی در کودکان و نوجوانان ایجاد می‌شود، می‌تواند در بزرگسالان نیز مشاهده شود. استفاده بیش از حد که به آن اعتیاد به تماشا گفته می‌شود و یا فاصله اندک از گیرنده و مسایلی نظیر اینها، عوارض زیانبار جسمی ایجاد می‌کند.

چنانچه مدت تماشا زیاد شود، ناهنجاریهای مربوط به خوابیدن بروز می‌کند. کوتاه شدن مدت خواب، تأخیر در خواب و خوابهای بی‌موقع از آن جمله است. «حتی کم شدن قدرت جسمانی از پیامدهای رایج تلویزیون است. کم شدن قدرت جسمانی با معدل مدت تماشای تلویزیون رابطه معکوس دارد.»^۱ یعنی هرچه مدت تماشا زیاد باشد به تقلیل قدرت جسمانی کمک می‌کند.

تنبلی چشم و خستگی بینایی از عوارض دیگر است که می‌تواند از نور شدیدی باشد که به سوی چشم متصاعد می‌شود. احتمال درد ناشی از ستون فقرات نیز وجود دارد. ستون فقرات به دلیل عدم تحرك و وضعیتی که بدن طی ساعات مقوالی تماشا به‌خود می‌گیرد ممکن است، دچار ناراحتی شود. تهیج و التهاب ناشی از فیلمها و سریالها نیز می‌تواند سبب بروز میگرن و سردرد گردد.

چندی پیش در نشست بین‌المللی کودکان در پاریس اعلام شد: «اگر ساعتهایی که کودکان و نوجوانان به تماشای تلویزیون می‌پردازند از سوی والدین کنترل نشود، کودکان مبتلاء به بیماریهای مختلفی از قبیل اختلال در دوره خواب و بیداری، کاهش قدرت جسمانی، شعله‌ور شدن بیماریهای صرع و میگرن، بحرانهای اضطراب، اقدام به‌خودکشی، چاقی مفرط و دیگر بیماریها خواهند شد.»^۲

۱- «کودکان، تلویزیون و پزشکان اطفال» دکتر صراف، اطلاعات ۲/ ۱۲/ ۷۱، ص ۷.

۲- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۴/ ۵/ ۱۳۷۱، ص ۱۱.

مجله حقوقی: در راستای مطالبی که محتوای مقاله را تشکیل می‌دهد آوردن این نکته ضروری است که پدیده بسیار فریبنده و در همان حال خطرناک تلویزیون، با رخنه انداختن در کانون تربیت خانواده‌ها اندک اندک دارد به يك مُعضل اجتماعی بدل می‌شود، ای کاش مسئولان تلویزیون برای کاستن از فشار آسیبها و صدمه‌های جسمی و روحی این مهمان گرانجان، هم از تعداد شبکه‌ها و هم از ساعات پخش برنامه‌های خود کم می‌کردند.



کتاب القنی

عبداله بن طاهر (۲۱۵ هـ) چون در باب کاریزها در آن زمان بین کشاورزان خصوصتهایی روی می‌داد و درین ماده هنوز اندر کتب فقه و اخبار از احکام مربوطه به کاریزها چیزی نیامده بود، عبدالله، فقهای خراسان و بعضی فقهای عراق را جمع کرد و به وسیله آنها کتابی در احکام مربوط به قتانها تدوین کرد، نامش **کتاب القنی** که بعد از آن همواره مرجع عمده برای این گونه دعاوی گشت، در مقابل مالکان و تعدیهای آنها و همچنین در مقابل عمال خراج که غالباً بهره‌کشی ظالمانه آنها از رعایا موجب خانه ویرانی برزگران و حتی از بین رفتن آبادیها می‌شد، از کشاورزان حمایت بارز کرد.

و در دستوری که بخشنامه‌وار در این باب به کارداران خویش فرستاد خاطر نشان کرد که با برزگران ولایت مدارا کنید و کشاورزی که ضعیف گردد او را قوت دهید و به جای خویش بازآرید که خدای عزوجل ما را از دستهای ایشان طعام کرده است و از زبانهای ایشان سلام کرده است و بیداد کردن برایشان حرام کرده است.

عبدالحسین زرین‌کوب، تاریخ مردم ایران ص ۱۰۱

به نقل از زمین‌الخبار گردیزی